



Student book

Interesting Facts:

حقایق جالب:

- Helping others lowers blood pressure.
کمک به دیگران فشارخون را کاهش می‌دهد.
- Kindness boosts energy and strength in elderly people.
مهربانی، انرژی و قدرت را در سالمندان افزایش می‌دهد.
- Teenagers who help others are more successful in life.
نوجوانانی که به دیگران کمک می‌کنند در زندگی موفق‌تر هستند.
- Listening to the advice of older people improves our lives.
گوش‌دادن به توصیه‌های افراد سالمند زندگی ما را بهبود می‌بخشد.
- Taking care of grandchildren increases brain function and memory
نگهداری از نوه‌ها عملکرد مغز و حافظه را افزایش می‌دهد.

صفحه ۱۷ و ۱۸ کتاب درسی (آماده شوید) **Get Ready**

A. Look at the following pictures and check (✓) appropriate behaviors.

به تصاویر نگاه کنید و رفتارهای مناسب را با (✓) علامت بزنید.



3



4



1



2

Match the selected pictures with the following sentences.

جملات زیر را با تصاویر منتخب تطبیق دهید.

1. Children should respect their parents. کودکان باید به والدین خود احترام بگذارند.
2. We have to take care of elderly people. ما باید از افراد سالمند مراقبت کنیم.
3. Family members should listen to each other. اعضای خانواده باید به یکدیگر گوش دهند.
4. We can help many people by donating what they need. ما می‌توانیم با اهدا کردن چیزهایی که لازم دارند به خیلی از مردم کمک کنیم.

**B. Why are these people famous?**

چرا این افراد مشهور هستند؟

1. Rizali Khajavi

او زندگی مسافران یک قطار را نجات داد. He saved the lives of passengers of a train.

2. Hassan Omidzadeh

او (زندگی) ۳۰ دانش‌آموز را وقتی که کلاس در حال سوختن بود، نجات داد. He saved 30 students while the class was burning.

3. Jabbar Baghcheban

او اولین مدرسهٔ ناشنوایان را در تبریز بنیان نهاد. He established the first deaf school in Tabriz.

4. Abbas Babaei

یک خلبان ایرانی که در طول جنگ، خدمت کرد. An Iranian pilot who served during the war.

How do you feel when you read about these people?

وقتی دربارهٔ این افراد مطالعه می‌کنید چه احساسی دارید؟

C. Write appropriate nouns after the following adjectives. Then check (✓) the positive adjectives.

بعد از صفت‌های زیر اسم مناسب بنویسید. سپس صفت‌های مثبت را با (✓) علامت بزنید.

☒ a polite girl

یک دختر مؤدب

☐ a cruel leader

یک رهبر ظالم

☐ some lazy students

تعدادی دانش‌آموز تنبل

☒ two kind brothers

دو برادر مهربان

☒ a loving act

یک عمل دوست‌داشتنی

☒ some careful workers

تعدادی کارگر بااحتیاط

Conversation (مکالمه)

صفحه ۱۹ و ۲۰ کتاب درسی

Word Bank (بانک لغت)

take temperature اندازه گرفتن دما	physician پزشک	regard تلقی (داشتن)	dedicated متعهد
spare no pains از هیچ تلاشی دریغ نکردن	distinguished تشخیص دادن (فعل)، برجسته (صفت)	not surprisingly جای تعجب نیست	found تأسیس کردن



Sara has been in the children's Medical Center for a week. She has caught a terrible flu. The doctor told her to stay there to get better. There is a photograph of an old man on the wall. While the nurse is taking her temperature, they start talking.

سارا به مدت یک هفته در یک مرکز پزشکی کودکان بوده است. او یک آنفلوآنزای وحشتناک داشت. دکتر به او گفت که آنجا بماند تا حالش بهتر شود. عکس یک مرد سالمند روی دیوار است. در حالی که پرستار دمای او را اندازه‌گیری می‌کند، آنها شروع به صحبت می‌کنند.

Sara: Excuse me, who is that man in the picture?

سارا: ببخشید آن مرد در تصویر، چه کسی است؟

Nurse: Oh, don't you know him? Have you ever heard of Dr. Mohammad Gharib?

پرستار: اوه، تو او را نمی‌شناسی؟ آیا تا به حال نام دکتر محمد قریب را شنیده‌ای؟

Sara: I guess I have only seen his name in my English book, but I'm not sure about it.

سارا: فکر کنم فقط نامش را در کتاب انگلیسی‌ام دیده‌ام، اما در موردش مطمئن نیستم.

Nurse: Dr. Gharib was a famous physician.

پرستار: دکتر قریب یک پزشک مشهور بود.

Sara: Oh, ... can you tell me a little about his life?

سارا: اوه... می‌توانی کمی از زندگی‌اش برایم بگویی؟

Nurse: Dr. Gharib was born in Tehran in 1288. After receiving his diploma, he went abroad to study medicine. In 1316 he became a physician and then came back to his homeland. In 1347 this center was founded by Dr. Gharib and one of his close friends.

پرستار: دکتر قریب در سال ۱۲۸۸ در تهران به دنیا آمد. بعد از گرفتن دیپلمش برای خواندن پزشکی به خارج از کشور رفت. در سال ۱۳۱۶ او یک پزشک شد و سپس به وطنش برگشت. در سال ۱۳۴۷ این مرکز توسط دکتر قریب و یکی از دوستان صمیمی‌اش تأسیس شد.

Sara: Really? I didn't know that.

سارا: واقعاً؟ من آن را نمی‌دانستم.

Nurse: Dr. Gharib was also a generous man. He spared no pains to cure sick children. He was very friendly and helpful to poor families. Not surprisingly, he was regarded as a dedicated physician.

پرستار: دکتر قریب یک انسان سخاوتمند هم بود. او برای درمان کودکان بیمار از هیچ تلاشی دریغ نمی‌کرد. او نسبت به خانواده‌های فقیر مهربان و دلسوز بود، جای تعجب نیست که او به عنوان یک پزشک متعهد در نظر گرفته می‌شود (او را یک پزشک متعهد می‌دانستند).

Sara: It's a pity! I didn't know such a great man.

سارا: باعث تأسف است! من مرد به آن بزرگی را نمی‌شناختم.



Nurse: He was known as a distinguished university professor, too. The first Persian textbook on children's diseases was written by him. He taught medicine to thousands of students.

پرستار: او همچنین به عنوان یک استاد دانشگاه برجسته شناخته می‌شود. اولین کتاب آموزشی فارسی در مورد بیماری‌های کودکان توسط او نوشته شد. او به هزاران دانشجو، پزشکی را آموزش داد.

Sara: Oh, what a great man he was! سارا: اوه، عجب انسان بزرگی بود!

Nurse: By the way, it might be interesting to know that your physician was one of Dr. Gharib's students!

پرستار: راستی، ممکن است جالب باشد که بدانی پزشک تو یکی از شاگردان دکتر قریب بود!

Sara: Really?! That's interesting! سارا: واقعاً؟! جالب است!

Questions (سؤالات)

Answer the following questions orally. به طور شفاهی به سؤال‌های زیر پاسخ دهید.

1. When was Dr. Gharib born? دکتر قریب کی به دنیا آمد؟

He was born in 1288. او در ۱۲۸۸ به دنیا آمد.

2. Why was Dr. Gharib regarded as a kind physician? چرا دکتر قریب به عنوان یک پزشک مهربان در نظر گرفته می‌شد؟

Because he was very friendly and helpful to poor families.

زیرا او برای خانواده‌های فقیر خیلی صمیمی و مفید بود.

3. Have you seen Dr. Gharib TV series? آیا سریال تلویزیونی دکتر قریب را دیده‌اید؟

Yes, I have seen it many times. بله، من آن را بارها دیده‌ام.

New Words and Expressions (کلمات و اصطلاحات جدید) صفحه ۲۱ تا ۲۳ کتاب درسی

A. Look, Read and Practice. نگاه کنید، بخوانید و تمرین کنید.



Hamid sits on the **sofa** and watches TV all the time.

حمید روی **کاناپه** می‌نشیند و تمام وقت تلویزیون نگاه می‌کند.



My grandfather feeds the **pigeons** in the park every morning.

پدربزرگ من هر روز صبح در پارک به **کبوترها** غذا می‌دهد.



Dad really **shouted** at me when I didn't do my homework.

وقتی من تکالیفم را انجام ندادم پدرم واقعاً سر من **فریاد زد**.



We have to speak louder, because my grandmother is **hard of hearing**.

ما مجبوریم بلندتر حرف بزنیم چون مادربزرگ من **مشکل شنوایی** دارد.



Ferdowsi **was born** in a village near Toos.

فردوسی در روستایی نزدیک طوس **به دنیا آمد**.



My uncle went to his son and **hugged** him.

عموی (دایی) من به طرف پسرش رفت و او را **در آغوش گرفت**.



My little sister sits on my mother's **lap** all the time.

خواهر کوچکم همیشه روی **دامن** مادرم می‌نشیند.

انگلیسی

درس ۱

B. Read and Practice.

بخوانید و تمرین کنید.

burst into tears: to cry suddenly

زیر گریه زدن: به طور ناگهانی اشک ریختن

Aida **burst into tears** when she saw her score.

آیدا وقتی نمره‌اش را دید **به طور ناگهانی اشک ریخت**.

repeatedly: many times

مکرراً: بارها و بارها

I've told Mohsen **repeatedly** to talk politely to his teachers.

من **بارها و بارها** به محسن گفتم که با معلم‌هایش مؤدبانه حرف بزند.

**forgive:** to stop being angry with someone**بخشیدن:** متوقف کردن خشم (اوقات تلخی) با شخصیMom **forgave** me for breaking the vase.مادر من به خاطر شکستن گلدان مرا **بخشید**.**calmly:** in a quiet way**به آرامی:** به طور آرامHe always speaks slowly and **calmly**.

او همیشه به طور آهسته و آرام حرف می زند.

diary: a book in which you record your thoughts or feelings or what has happened every day.**دفتر خاطرات:** کتابی که شما تفکرات یا احساسات خود یا چیزهایی را که هر روز اتفاق افتاده است در آن ثبت می کنید.I have kept a **diary** for twelve years.من یک **دفتر خاطرات** را به مدت دوازده سال نگه داشته ام.**C. Go to part 'Vocabulary' of your Workbook and do B and C.**

به قسمت لغت کتاب کار خود بروید و تمرین B و C را انجام دهید.

Reading

(خواندن)

صفحه ۲۴ و ۲۵ کتاب درسی

Respect your Parents (به والدین خود احترام بگذارید.)

On a spring morning, an old woman was sitting on the sofa in her house. Her young son was reading a newspaper. Suddenly a pigeon sat on the window.

در یک صبح بهاری، یک زن سالمند در خانه اش روی کاناپه نشسته بود. پسر جوانش در حال خواندن یک روزنامه بود. ناگهان یک کبوتر روی پنجره نشست.

The mother asked her son quietly, "What is this?" The son replied: "It is a pigeon". After a few minutes, she asked her son for the second time, "What is this?" The son said, "Mom, I have just told you, "It's a pigeon, a pigeon". After a little while, the old mother asked her son for the third time, "What is this?" This time the son shouted at his mother, "Why do you keep asking me the same question again and again? Are you hard of hearing?"

مادر به آرامی از پسرش پرسید: «این چیست؟» پسر پاسخ داد: «یک کبوتر است.» بعد از چند دقیقه او از پسرش برای دومین بار پرسید: «این چیست؟» پسر گفت: «مادر، همین الان به شما گفتم، یک کبوتر است، یک کبوتر.» بعد از مدتی مادر سالمند از پسرش برای بار سوم پرسید: «این چیست؟» این بار پسر سر مادرش فریاد کشید: «چرا همان سؤال را از من دوباره و دوباره می پرسی؟ آیا مشکل شنوایی داری؟»

A little later, the mother went to her room and came back with an old diary. She said, "My dear son, I bought this diary when you were born". Then, she opened a page and kindly asked her son to read that page. The son looked at the page, paused and started reading it aloud:

کمی بعد مادر به اتاقش رفت و با یک دفتر خاطرات قدیمی برگشت. او گفت: «پسر عزیزم، من این دفتر خاطرات را وقتی به دنیا آمدی خریدم.» سپس، یک صفحه را باز کرد و با مهربانی از پسرش خواست آن صفحه را بخواند. پسر به آن صفحه نگاه کرد، مکث کرد و بلند شروع به خواندن کرد:



Today my little son was sitting on my lap, when a pigeon sat on the window. My son asked me what it was 15 times, and I replied to him all 15 times that it was a pigeon. I hugged him lovingly each time when he asked me the same question again and again. I did not feel angry at all. I was actually feeling happy for my lovely child.

امروز پسر کوچکم روی دامنم نشسته بود، وقتی یک کبوتر روی پنجره نشست. پسر ۱۵ بار از من پرسید آن چیست، و من هر ۱۵ بار به او جواب دادم که آن یک کبوتر است. وقتی او بارها و بارها همان سؤال را از من می‌پرسید هر بار او را عاشقانه بغل می‌کردم. اصلاً عصبانی نشدم. در واقع به خاطر کودک دوست‌داشتنی‌ام خوشحال بودم.

Suddenly the son burst into tears, hugged his old mother and said repeatedly, "Mom, mom, forgive me; please forgive me." The old woman hugged her son, kissed him and said calmly, "We must care for those who once cared for us. We all know how parents cared for their children for every little thing. Children must love them, respect them, and care for them".

پسر ناگهان شروع به اشک ریختن کرد، مادر سالمندش را در آغوش گرفت و بارها و بارها گفت: «مادر، مادر، مرا ببخش؛ لطفاً مرا ببخش.» زن سالمند پسرش را در آغوش گرفت، او را بوسید و به آرامی گفت: «ما باید از آنهایی که روزی از ما مراقبت کردند، مراقبت کنیم. ما همه می‌دانیم که چطور والدین برای هر چیز کوچکی مراقب فرزندان‌شان بودند. فرزندان باید آنها را دوست بدارند، به آنها احترام بگذارند و از آنها مراقبت کنند.»

Reading Strategy (فن خواندن)

انگلیسی

درس ۱

Question generation: Question generation is a reading comprehension strategy whereby readers ask and answer meaningful questions about the important points or main ideas of a text. Using this strategy, students ask and answer their own questions rather than only answering questions provided by the book or the teacher.

ساخت سؤال: ساخت سؤال یک استراتژی درک مطلب است که به موجب آن خوانندگان در مورد نکات مهم یا ایده‌های اصلی متن سؤالات مفهومی می‌پرسند و جواب می‌دهند. با استفاده از این استراتژی، دانش‌آموزان به جای اینکه فقط سؤالاتی را که کتاب یا معلم آماده کرده باشد جواب دهند، سؤالات خودشان را می‌پرسند و جواب می‌دهند.

Follow these steps:

از اصول زیر پیروی کنید.

1. Read the text.

متن را بخوانید.

2. Find the important points or main ideas.

نکات مهم و ایده‌های اصلی را پیدا کنید.

3. Make a question for each point or idea.

در مورد هر نکته یا ایده یک سؤال بنویسید.

4. Answer the questions.

به سؤالات پاسخ دهید.



Common question starters along with their possible answers are as follows:

شروع‌کننده‌های سؤال رایج همراه با پاسخ‌های احتمالی‌شان به صورت زیر است:

Question Starter	Possible Answer
Who (چه کسی)	Person (شخص)
What (چه چیز)	Object, Description or Process (مفعول، توصیف یا روند (فرایند))
Where (کجا)	Location (محل)
When (کی، چه وقت)	Time (زمان)
Why (چرا)	Reason (دلیل)
How (چگونه، چرا)	Quantity, Process or Description (کمیت، روند (فرایند) یا توصیف)

انگلیسی

درس ۱

صفحه ۲۶ کتاب درسی (درک مطلب خواندن) Reading Comprehension

A. Read the passage. Generate at least five questions with the question starters and then answer them.

متن را بخوانید. با کلمات سؤال‌ی حداقل ۵ سؤال بسازید و سپس به آنها پاسخ دهید.

1. Who was sitting on a sofa in her house? چه کسی روی کاناپه در خانه‌اش نشسته بود؟

An old woman was sitting on a sofa in her house. یک زن مسن روی کاناپه در خانه‌اش نشسته بود.

2. What was her son doing? پسرش در حال انجام چه کاری بود؟

Her son was reading a newspaper. پسرش در حال خواندن روزنامه بود.

He was reading a newspaper.

3. Where did a pigeon sit? کبوتر کجا نشست؟

A pigeon sat on the window. کبوتر روی پنجره نشست.

The pigeon sat on the window.

4. When did she ask her son the second question? او دومین سؤال را کی از پسرش پرسید؟

After a few minutes, she asked her son the second question.

پس از چند دقیقه، او از پسرش دومین سؤال را پرسید.



5. How did her son react when he read the diary?

وقتی پسرش دفتر خاطرات را خواند، چه واکنشی نشان داد؟

He burst into tears, hugged his old mother and asked her to forgive him.

او شروع به اشک ریختن کرد، مادر پیرش را در آغوش گرفت و از او طلب بخشش کرد.

B. Skim the 'Reading'. Write its main idea.

به طور سطحی متن را بخوانید و ایده اصلی آن را بنویسید.

We must care for parents.

C. Read the 'Reading'. Find what these words refer to.

متن را بخوانید. پیدا کنید که واژه‌های زیر به چه چیزی اشاره می‌کند.

her (paragraph 1, line 2)	old woman
his (paragraph 2, line 5)	son
you (paragraph 3, line 2)	son
me (paragraph 4, line 5)	old woman
them (paragraph 5, line 6)	parents

Vocabulary Development (گسترش واژگان) صفحه ۲۷ و ۲۸ کتاب درسی

COLLOCATIONS (هم‌آیی کلمات)

A collocation is two or more words that often go together. Collocations tell us which words can come before or after other words. These combinations just sound 'right' to native speakers, who use them all the time. On the other hand, other combinations may be unnatural and just sound 'wrong'.

هم‌آیی کلمات دو یا چند کلمه است که اغلب با یکدیگر به کار می‌روند. هم‌آیی کلمات به ما می‌گوید کدام کلمات می‌توانند قبل یا بعد از کلمات دیگر به کار روند. این ترکیبات برای سخنگوهای بومی که همیشه از آنها استفاده می‌کنند «درست» به نظر می‌رسد. از سوی دیگر، ترکیبات دیگر ممکن است غیرطبیعی و «اشتباه» به نظر برسد.

- fast food but quick meal. It would not be normal to say ~~quick food~~ or ~~fast meal~~.

fast food در مقابل quick meal. این عادی نیست که بگوییم quick food یا fast meal.

- strong wind but heavy rain. It would not be normal to say ~~heavy wind~~ or ~~strong rain~~.

strong wind در مقابل heavy rain. این عادی نیست که بگوییم heavy wind یا strong rain.



- make a mistake but do exercise. It would not be normal to say ~~do a mistake~~ or ~~make exercise~~.
make a mistake در مقابل do exercise. ما نمی‌توانیم بگوییم do a mistake یا make exercise.

Or in the Reading, you can see the following collocations:

یا در متن شما می‌توانید هم‌آیی کلمات زیر را ببینید.

- read a newspaper (NOT ~~study~~ a newspaper) خواندن روزنامه (نه مطالعه روزنامه)
- sit on the sofa (NOT sit ~~at~~ the sofa) نشستن روی کاناپه (نه نشستن در کاناپه)
- hard of hearing (NOT ~~difficult~~ of hearing) مشکل شنوایی (نه سختی شنوایی)

A. Without looking back at the Conversation, make collocations by matching the words on the left with the ones on the right column.

بدون نگاه کردن به مکالمه، با وصل کردن کلمات سمت چپ و ستون سمت راست هم‌آیی (بین کلمات) ایجاد کنید.

1. feel	go abroad	رفتن به خارج از کشور
2. take	feel well	احساس خوب داشتن
3. go	not surprisingly	جای تعجب نیست
4. spare	take temperature	اندازه‌گیری دما
5. not	by the way	راستی
6. by	spare no pains	از هیچ تلاشی دریغ نکردن
7. burst into	burst into tears	ناگهان زیر گریه زدن

B. With a classmate, check the answers by looking for the collocations in the Conversation. Use each collocation in a new sentence.

به همراه یک هم‌کلاسی با جست‌وجوی هم‌آیی کلمات در متن، پاسخ‌های خود را بررسی کنید. از هر هم‌آیی در یک جمله جدید استفاده کنید.

1. I have no plan to go abroad. برنامه‌ای برای رفتن به خارج از کشور ندارم.
2. Doctor took my temperature as I was ill. زمانی که بیمار بودم، دکتر دمای بدن مرا اندازه گرفت.
3. When children are ill, parents spare no pains to make them get better. وقتی فرزندان بیمار هستند، والدین از هیچ تلاشی دریغ نمی‌کنند تا آنها حالشان بهتر شود.
4. By the way, how was the exam? راستی، امتحان چگونه بود؟
5. When my team lost, I burst into tears. وقتی تیم من باخت، ناگهان زدم زیر گریه.



صفحه ۲۹ و ۳۰ کتاب درسی - دستور زبان Grammar

A. Read the following text.

متن زیر را بخوانید.

Hafez is known to be as one of the most famous Persian poets of all time. He was born sometime between the years 1310 and 1337 A.D¹. in Shiraz. In his childhood, he received religious education. He is called Hafez because he learned the Holy Quran by heart. Hafez is mostly remembered for a special type of poetry that is called Ghazal. Emotions and ethics are used in Ghazals a lot. The collection of his poems is called Divan. It has been translated into countless languages including German, English and French. Hafez is known to be the inspiration for many poets and authors around the world.

حافظ به عنوان یکی از معروف‌ترین شاعران فارسی در همه زمان‌ها شناخته شده است. او زمانی بین ۱۳۱۰ و ۱۳۳۷ بعد از میلاد مسیح در شیراز به دنیا آمد. در کودکی اش، او تعلیمات مذهبی دید. به خاطر اینکه او قرآن را از حفظ بود حافظ نامیده می‌شود. از حافظ بیشتر به خاطر یک نوع شعر که غزل نام دارد، یاد می‌شود. احساسات و اخلاقیات در غزل زیاد استفاده می‌شود. مجموعه اشعار او دیوان نام دارد. آن به زبان‌های بیشتری از قبیل آلمانی، انگلیسی و فرانسوی ترجمه شده است. حافظ به عنوان الهام‌بخش خیلی از شاعران و نویسندگان در سراسر جهان شناخته می‌شود.

B. Read the following example sentences.

جملات مثال زیر را بخوانید.

Active (معلوم)	Passive (مجهول)
She makes pancakes every morning. او هر روز صبح پنکیک درست می‌کند.	pancakes are made every morning. پنکیک‌ها هر روز صبح درست می‌شوند.
Ali broke the window yesterday. علی دیروز پنجره را شکست.	The window was broken yesterday. پنجره دیروز شکسته شد.
They have fixed the cars. آنها ماشین‌ها را تعمیر کردند.	The cars have been fixed . ماشین‌ها تعمیر شده‌اند.
Alexander Fleming discovered penicillin. الکساندر فلمینگ پنی‌سلین را کشف کرد.	Penicillin was discovered by Alexander Fleming. پنی‌سلین توسط الکساندر فلمینگ کشف شد.
Scientists find solutions to problems. دانشمندان برای مشکلات راه‌حلی پیدا می‌کنند.	Solutions to problems are found by scientists. راه‌حلی برای مشکلات توسط دانشمندان یافت شده‌اند.
Doctors have made a new medicine to cure cancer. دکترها برای درمان سرطان داروی جدیدی ساخته‌اند.	A new medicine has been made by doctors to cure cancer. داروی جدید برای درمان سرطان توسط دکترها ساخته شده است.

1. Anno Domini: Used after a date to show that it is after the birth of Christ.

بعد از تاریخ استفاده می‌شود تا نشان دهد که بعد از میلاد مسیح رخ داده است.

**C. Tell your teacher how 'passive voice' is made.**

به معلم خود بگویید که ساختار مجهول چگونه درست می‌شود.

D. Read the Conversation and underline all 'passive voices'.

مکالمه را بخوانید و زیر ساختارهای مجهول خط بکشید. (به این سؤال در متن Conversation پاسخ داده شده است.)

E. Read the following paragraph and choose the best verb forms.

باراکراف زیر را بخوانید و بهترین شکل فعل را انتخاب کنید.

Many products (are developed/developed) each year. Light bulb, camera, airplane, and telephone (were invented/invented) by scientists and inventors. Laptops, smart phones, and tablets (were made/made) by lots of work. But not all products (are developed/developed) by hard work. Some inventions (were created/are created) by accident or scientists' mistakes. Penicillin, for instance, (was discovered/were discovered) quite accidentally when Alexander Fleming (was working/was worked) on bacteria. Microwave oven also (was invented/invented) during a scientist's experiment on energy. More interestingly, some tools and technologies (are not made/do not make) by scientists at all. Some like dishwashers and computer games (were made/made) by ordinary people like workers, housewives and school students.

محصولات بسیاری هر سال (تولید می‌شوند/تولید شده). لامپ، دوربین، هواپیما و تلفن توسط دانشمندان و مخترعان (اختراع شدند/اختراع شده). لپ‌تاپ‌ها، تلفن‌های هوشمند و تبلت‌ها با کار زیاد (ساخته شدند/ساخته شده). اما همه محصولات با سخت‌کوشی (تولید نمی‌شوند/تولید نشدند). برخی اختراعات تصادفاً یا با اشتباهات دانشمندان (به وجود آمدند/به وجود می‌آیند). به عنوان مثال پنی‌سلین کاملاً تصادفی و زمانی که الکساندر فلمینگ روی باکتری (داشت کار می‌کرد/کار کرد)، (کشف شد/کشف شدند). میکروویو هم طی آزمایش یک دانشمند روی انرژی (اختراع شد/اختراع کرد). جالب‌تر اینکه، بعضی ابزارها و فناوری‌ها اصلاً توسط دانشمندان (ساخته نشده‌اند/نمی‌سازند). برخی مانند ماشین‌های ظرفشویی و بازی‌های کامپیوتری توسط افراد عادی مانند کارگران، زنان خانه‌دار و دانش‌آموزان مدرسه (ساخته شدند/ساخته‌اند).

F. Pair up and talk about the things that happened in the past without mentioning the doer.

دوبه‌دو شوید و در مورد چیزهایی که در گذشته اتفاق افتاد بدون اشاره به انجام‌دهنده آن صحبت کنید.

Example: The window was broken.

مثال: پنجره شکست.

1. The wall was painted.

دیوار رنگ شد.

2. The workbook was done.

کتاب کار انجام شد.

3. The games were watched.

بازی‌ها (مسابقات) دیده شد.

4. We were invited to her birthday party.

ما به مهمانی تولد او دعوت شدیم.

5. TV was invented.

تلویزیون اختراع شد.



G. Go to Part 'Grammar' of your Workbook and do A and B.

به قسمت دستور زبان کتاب کار خود بروید و قسمت A و B را انجام دهید.

See Also (همچنین ببینید)

صفحه ۳۱ کتاب درسی

Tag questions (سؤال های کوتاه)

A. Read the following example sentences.

جملات مثال زیر را بخوانید.

Mina is happy, isn't she?

مینا خوشحال است، نیست؟

He's writing an email, isn't he?

او یک ایمیل می نویسد، نمی نویسد؟

George wasn't hungry, was he?

جرج گرسنه نبود، بود؟

The girls were weaving a carpet, weren't they?

دخترها در حال بافتن یک فرش بودند، نبودند؟

They are going to Hamedan, aren't they?

آنها به همدان می روند، نمی روند؟

His father won't buy a new car, will he?

پدرش یک ماشین جدید نخواهد خرید، خواهد خرید؟

The boys have broken the window, haven't they?

پسرها پنجره را شکسته اند، نشکسته اند؟

Your sister has passed the exam, hasn't she?

خواهر شما امتحانش را قبول شده است، نشده است؟

B. Go to Part 'Grammar' of your Workbook and do C.

به قسمت دستور زبان کتاب کار خود بروید و تمرین C را انجام دهید.

Listening and Speaking (گوش دادن و صحبت کردن)

صفحه ۳۲ و ۳۳ کتاب درسی

Speaking Strategy: Eliciting Agreement and Signaling Uncertainty

استراتژی صحبت کردن: استنباط توافق و نشان دادن عدم قطعیت

A. We use 'tag questions' for two reasons: eliciting agreement (confirming facts) and signaling uncertainty.

ما از سؤال کوتاه به دو دلیل استفاده می کنیم: استنباط توافق (تأیید حقایق) و نشان دادن عدم قطعیت.

- Sam has not come to work. I've heard he's sick, isn't he?

سام سرکار نیامده است. شنیده ام که بیمار است، نیست؟

- Oh, yes. He was not well yesterday.

اوه، بله. دیروز حالش خوب نبود.

- What's wrong with him?

او چه مشکلی دارد؟

- The doctors are checking his health condition.

دکترها در حال بررسی وضعیت سلامت او هستند.

- It isn't something serious, is it?

چیز جدی ای نیست، هست؟



- I hope not. امیدوارم نباشد.
- More examples: مثال‌های بیشتر:
- He's really generous, isn't he? او واقعاً بخشنده است، نیست؟
- They are going to leave here, aren't they? آنها قصد دارند اینجا را ترک کنند، ندارند؟
- This cannot be true, can it? این نمی‌تواند درست باشد، می‌تواند؟

B. Listen to the following conversations and answer the questions.

به مکالمه‌های زیر گوش دهید و به سؤالات پاسخ دهید.

Conversation 1

- Why is Amin busy these days? چرا امین این روزها سرش شلوغ است؟
- What does Behzad think about health? بهزاد درباره سلامت چه فکری می‌کند؟

Pair up and ask your friends some questions that elicit agreement or confirm facts. You may use the topics in the box.

دوبه‌دو شوید و از دوستان خود تعدادی سؤال بپرسید که استنباط توافق کند یا تأیید حقایق. شما می‌توانید از موضوعات داخلی کادر استفاده کنید.

Weather (محل برای زندگی), future job (شغل آینده), a place to live (آب و هوا)

Conversation 2

- Where are they going? آنها کجا می‌روند؟
- Why does Mina prefer chess? چرا مینا شطرنج را ترجیح می‌دهد؟

Pair up and ask your friends some questions that signal uncertainty. You may use the topics in the box.

دوبه‌دو شوید و از دوستان خود تعدادی سؤال بپرسید که عدم قطعیت را نشان دهد. شما می‌توانید از موضوعات داخل کادر استفاده کنید.

future plans (مشکلات), health condition (وضعیت سلامت), problems (طرح‌های آینده)

Writing (نوشتن) صفحه ۳۴ تا ۳۹ کتاب درسی

Compound Sentences (جملات مرکب)

We have learned that every sentence must have at least one subject and one verb. Such a sentence is called a **simple sentence**.

ما یاد گرفته‌ایم که هر جمله باید حداقل یک فاعل و یک فعل داشته باشد. چنین جمله‌ای، جمله ساده نامیده می‌شود.



A sentence with more than one subject, more than one verb and a connecting word such as **and**, **or**, **but** or **so** is called a **compound sentence**.

یک جمله با بیش از یک فاعل، بیش از یک فعل و یک کلمه رابط مانند **and**، **or**، **but** یا **so** یک جمله مرکب نامیده می‌شود.

1. Addition: 'and' shows similar activities or feelings.

اضافه: **and** فعالیت‌ها یا احساسات مشابه را نشان می‌دهد.

I get up early in the morning. من صبح زود بیدار می‌شوم.

I make an omelet myself. من خودم یک املت درست می‌کنم.

I get up early in the morning, **and** I make an omelet myself.

من صبح زود بیدار می‌شوم و خودم یک املت درست می‌کنم.

2. Contrast: 'but' shows a contrast or difference.

تضاد: **but** تضاد یا تفاوت را نشان می‌دهد.

The book was boring. کتاب کسل‌کننده بود.

Tom had to read the book. تام مجبور بود آن را بخواند.

The book was boring, **but** Tom had to read it.

کتاب کسل‌کننده بود، اما تام مجبور بود آن را بخواند.

A. Complete the following sentences with 'and' or 'but'.

جملات زیر را با استفاده از **and** یا **but** کامل کنید.

1. We went to the park yesterday, and we had a wonderful time.

ما دیروز به پارک رفتیم، و اوقات خوبی داشتیم.

2. Behnam's family went to the zoo last week, but they did not enjoy it.

خانواده بهنام هفته پیش به باغ‌وحش رفتند، اما از آن لذت نبردند.

3. Susan has a pink dress, but she never wears it.

سوزان یک لباس صورتی دارد، اما هرگز آن را نمی‌پوشد.

4. Kate saw Sofia, but she didn't speak to her.

کیت صوفیا را دید، اما با او صحبت نکرد.

5. My English class is really enjoyable, but I have a lot of homework.

کلاس انگلیسی من واقعاً لذت بخش است، اما من تکالیف زیادی (هم) دارم.

3. Choice: 'or' shows two choices

انتخاب: **or** دو انتخاب را نشان می‌دهد.

You should do your homework.

تو باید تکالیفت را انجام دهی.

You should wash the dishes.

تو باید ظرف‌ها را بشوری.

You should do your homework, **or** you should wash the dishes.

تو باید تکالیفت را انجام دهی یا ظرف‌ها را بشوری.

4. Result: 'so' shows that the second sentence is the result of the first one.

نتیجه: **so** نشان می‌دهد که جمله دوم نتیجه جمله اول است.



Saeed studied hard for the exam.

سعید سخت برای امتحان درس خواند.

Saeed passed the exam.

سعید در امتحان قبول شد.

Saeed studied hard for the exam, **so** he passed it.

سعید سخت برای امتحان درس خواند، بنابراین در امتحان قبول شد.

B. Complete the following sentences with 'or' or 'so'.

جملات زیر را با **so** یا **or** کامل کنید.

1. My mother doesn't like fast food, **so** she doesn't eat any.

مادر من فست‌فود دوست ندارد، بنابراین هیچی نخورد.

2. I go out tonight, **or** I take a rest.

من امشب (یا) بیرون می‌روم، یا استراحت می‌کنم.

3. We can eat our lunch at the restaurant, **or** we can have it at home.

ما می‌توانیم نهار را در رستوران بخوریم، یا در خانه.

4. That dictionary is expensive, **so** I can't buy it.

آن لغت‌نامه گران است، بنابراین نمی‌توانم آن را بخرم.

5. This dress is not comfortable, **so** she rarely wears it.

این لباس راحت نیست، بنابراین او به ندرت آن را می‌پوشد.

NOTE

1- Use a comma before **and**, **or**, **but** and **so** when you combine two sentences.

در هنگام ترکیب دو جمله قبل از **but**, **or**, **and** و **so** از ویرگول استفاده کنید.

2- You can replace the repeated nouns with suitable pronouns.

شما می‌توانید اسم‌های تکراری را با ضمایر مناسب جایگزین کنید.

C. Combine the two sentences with 'and', 'but', 'or' or 'so'.

جملات زیر را با استفاده از **and**، **but**، **or** یا **so** ترکیب کنید.

1. Joseph is very busy today, **so** he cannot watch TV.

جوزف (یوسف) امروز سرش خیلی شلوغ است، بنابراین نمی‌تواند تلویزیون نگاه کند.

2. My brother has a lot of books, **but** he never reads them.

برادرم کتاب‌های زیادی دارد، اما هرگز آنها را نمی‌خواند.

3. We should do a lot of homework, **and** we don't have enough time.

ما باید تکالیف زیادی را انجام دهیم، و وقت کافی (هم) نداریم.

4. Sepideh likes spaghetti, **but** her grandmother hates spaghetti.

سپیده اسپاگتی دوست دارد، اما مادربزرگش از آن متنفر است.

5. You can buy this coat, **or** you can buy those shoes.

تو می‌توانی این کت، یا آن کفش‌ها را بخری.



D. Complete the sentences.

جملات را کامل کنید.

- I like learning Chinese, but it's difficult to learn.
من دوست دارم چینی یاد بگیرم، اما یادگیری آن سخت است.
- These shoes are not comfortable, so I will not buy them.
این کفش‌ها راحت نیستند، بنابراین من آنها را نخواهم خرید.
- You must study well, and try to sleep on time.
تو باید خوب مطالعه کنی، و سعی کنی به‌موقع بخوابی.
- I like swimming, but I hate water polo.
من شنا را دوست دارم، اما از واترپلو متنفرم.
- You can install a mobile dictionary, or buy a packet dictionary.
شما می‌توانید یک لغت‌نامه روی موبایل نصب کنید، یا یک لغت‌نامه جیبی بخرید.

E. Write five real compound sentences about yourself, your family or friends.

پنج جمله مرکب واقعی درباره خودتان، خانواده یا دوستانتان بنویسید.

- My friend has two brothers, and they both are teachers.
دوستم دو برادر دارد، و هر دو آنها معلم هستند.
- I was not born in Tehran, but I live in there.
من متولد تهران نیستم، اما در آنجا زندگی می‌کنم.
- I studied well, so I passed the exam.
من خوب مطالعه کردم، بنابراین در امتحان قبول شدم.
- My mom likes tea, but she hates coffee.
مادرم چای دوست دارد، اما از قهوه متنفر است.
- I do my homework, and I sleep on time.
من تکالیفم را انجام می‌دهم، و سر وقت می‌خوابم.

F. Go back to the Reading. Find three simple and three compound sentences. Underline the subjects and circle the verbs.

به متن بازگردید. سه جمله ساده و سه جمله مرکب پیدا کنید. زیر فاعل‌ها و دور فعل‌ها خط بکشید.

- A pigeon sat on the window.
- She was sitting on the sofa.
- It is a pigeon.
- Her mother went to her room and came back with an old diary.
- She opened a page and kindly asked her son to read that page.
- The son looked at the page paused and, started reading it aloud.



صفحه ۴۰ و ۴۱ کتاب درسی (آنچه آموختید) **What you learned**

A. Listen to the first part of an interview. به قسمت اول مصاحبه گوش کنید.

1. Answer the following questions based on what you just heard.

براساس آنچه الان شنیدید به سؤالات زیر پاسخ دهید.

- a. Why is knowing about the experience of our parents important?
چرا دانستن درباره تجربه والدینمان مهم است؟
- b. Why are our parents our first teachers?
چرا والدین ما اولین معلم‌های ما هستند؟

2. Listen again and write down three important points mentioned.

دوباره گوش دهید و سه نکته مهم را که ذکر شده، بنویسید.

B. Now read the rest.

حالا بقیه را بخوانید.

Yet another important thing is our heritage and culture. We have much to learn from our parents regarding our heritage, to be proud of our past. This heritage and history brings a sense of belonging. Most importantly, it brings us a sense of identity of our past and the responsibility to protect it for our future generations. What I can add at the end is the role of our parents' morals, values, and principles in our lives. Our elders have either learned, created or have been brought up with a set of morals, values and principles in their lives. Our elders want the best for us and they are willing to tell us what set of rules and guidelines have made them successful, and hopefully, peaceful.

هنوز یکی دیگر از چیزهای مهم میراث و فرهنگ ماست. ما با توجه به میراثمان چیزهای زیادی برای یاد گرفتن از والدینمان داریم تا به گذشته خود افتخار کنیم. این میراث و تاریخ یک حس تعلق را به ارمغان می‌آورد. مهم‌تر از همه، برای ما یک احساس هویت نسبت به گذشته‌مان و مسئولیت محافظت از آن برای نسل‌های آینده‌مان را برای ما به ارمغان می‌آورد. چیزی که من می‌توانم در آخر اضافه کنم نقش اخلاق، ارزش‌ها و اصول والدینمان در زندگی‌مان است. بزرگان ما همچنین آموخته‌اند، خلق کرده‌اند یا مجموعه‌ای از اخلاق، ارزش‌ها و اصول را در زندگی‌شان پرورش داده‌اند. بزرگان ما بهترین را برای ما می‌خواهند و مشتاق‌اند که به ما بگویند چه مجموعه‌ای از قوانین و دستورالعمل‌ها آنها را موفق، و با امیدواری آرام ساخته است.

3. Underline all passive tenses. Make three questions about the important points.

Then answer them.

زیر همه زمان‌های مجهول خط بکشید.

سه سؤال درباره نکات مهم بسازید و سپس به آنها پاسخ دهید.

- 1. What does heritage and history bring us?** میراث و تاریخ چه چیزی برای ما به ارمغان می‌آورد؟
آن برای ما یک حس تعلق را به ارمغان می‌آورد.

It brings us a sense of belonging and I dentity.



2. What are the parent's role in our lives?

نقش والدین در زندگی‌مان چیست؟

Our parent's role are morals, values and principles.

نقش والدین ما اخلاقی، ارزشی و اصولی است.

3. What do our elders want for us?

بزرگان ما برای ما چه می‌خواهند؟

They want the best and willing to tell us what set of rules and guide lines have made them successful.

آنها بهترین را برای ما می‌خواهند و مشتاق‌اند به ما بگویند چه مجموعه‌ای از قوانین و دستورالعمل‌ها آنها را موفق ساخته است.

C. Work in pairs. Ask and answer.

دوبه‌دو شوید. سؤال بپرسید و پاسخ دهید.

1. How can we learn from our parents in our lives?

چگونه می‌توانیم از والدینمان در زندگی‌مان یاد بگیریم؟

We can learn from our parents regarding our heritage.

ما با توجه به میراثمان می‌توانیم از والدینمان یاد بگیریم.

2. How important is it to protect our culture for our next generation?

حفاظت از فرهنگمان برای نسل آینده‌مان چقدر مهم است؟

It is very important because it brings us a sense of identity of our past.

آن خیلی مهم است چون یک احساس هویت نسبت به گذشته‌مان برای ما به ارمغان می‌آورد.

3. Why are our parents our blessing?

چرا والدینمان برکت ما هستند؟

Because they want the best for us and they are willing to tell us what set of rules and guidelines have made them successful.

چون آنها بهترین را برای ما می‌خواهند و مشتاق‌اند که به ما بگویند چه مجموعه‌ای از قوانین و دستورالعمل‌ها آنها را موفق ساخته است.

Workbook

Get Ready (آماده شوید) صفحه ۸ و ۹ کتاب درسی

A. Write the names of the following people.

اسم افراد زیر را بنویسید.



Allameh Tabatabaie



Amir Kabir



Maryam Mirzakhani



Tahereh Saffarzadeh



Takhti



Mahmoud Dolat Abadi

B. Do you know why we appreciate their work? آیا می‌دانید چرا ما از کار آنها قدردانی می‌کنیم؟

Because they were hardworking and devoted all their time to improving the quality of Iranian's lives.

زیرا آنها سخت‌کوش بودند و همه وقت خود را صرف بهبود کیفیت زندگی مردم ایران کردند.

Part I: Reading Comprehension (بخش اول: درک مطلب خواندن) صفحه ۱۰ تا ۱۲ کتاب درسی

It is very important for us to respect our elders. It is also important to note that elders were not born elders; they were kids like us and now have grown old. A few years hence we will also grow older. If today we respect them, our present and future generations will carry those values and will learn to respect us as well when we grow old.

احترام به سالمندانمان برای ما بسیار مهم است. همچنین مهم است که بدانیم سالمندان، سالمند به دنیا نیامدند؛ آنها مانند ما کودک بودند و اکنون سالمند شده‌اند. چند سال بعد نیز ما نیز بزرگ‌تر خواهیم شد. اگر امروز ما به آنها احترام بگذاریم، نسل‌های کنونی و آینده این ارزش‌ها را به دوش خواهند گرفت و یاد خواهند گرفت که وقتی ما پیر می‌شویم، به ما احترام بگذارند.

Elders have a lot to share with us: their life experiences, their failures, their successes and many more. Thus we need to care for them because they deserve to be cared for. Respect and care for elders start with our parents as they are our first teachers in our life.

سالمندان چیزهای زیادی برای سہیم شدن با ما دارند: تجربه زندگی آنها، شکست‌هایشان، موفقیت‌هایشان و خیلی چیزهای بیشتر. بنابراین ما باید از آنها مراقبت کنیم چون آنها شایستگی دارند که مراقبت شوند. احترام گذاشتن و مراقبت کردن از سالمندان از والدین ما شروع می‌شود چون آنها اولین معلم‌ها در زندگی ما هستند.

No matter what we do in our lives, who we are, and where we live, we must love them as they love us unconditionally. They feel honored when we appreciate their love and respect them. So it is our duty to help them when they need us because they are not young enough to handle things on their own like before.

مهم نیست ما در زندگی‌مان چه می‌کنیم، که هستیم و کجا زندگی می‌کنیم، ما باید عاشق آنها باشیم، چون آنها بدون هیچ شرطی عاشق ما هستند. آنها احساس افتخار می‌کنند وقتی ما از عشق آنها قدردانی می‌کنیم و به آنها احترام می‌گذاریم. بنابراین، وظیفه ما این است که وقتی به ما نیاز دارند به آنها کمک کنیم چون به حد کافی برای انجام کارها توسط خودشان مانند قبل جوان نیستند.



A. Using the following question starters, generate questions. Then answer them.

با استفاده از کلمات سؤال‌ی زیر، سؤال بسازید سپس به آنها پاسخ دهید.

1. Why do we learn English?

چرا ما زبان انگلیسی یاد می‌گیریم؟

Because it's a universal language.

زیرا آن یک زبان جهانی است.

2. How can we respect elders?

چگونه می‌توانیم به سالمندان احترام بگذاریم؟

By helping them when needed.

با کمک کردن آنها زمانی که به ما احتیاج دارند.

3. What do the elders share with us?

سالمندان چه چیزی را با ما سهیم می‌شوند؟

They share life experiences and many others more.

آنها تجربیات زندگی و چیزهای بیشتر دیگری را سهیم می‌شوند.

4. Who are our first teachers?

چه کسانی اولین معلم‌های ما هستند؟

They are our parents.

آنها والدین ما هستند.

B. Find what the underlined pronouns refer to.

مرجع ضمایی را که در متن زیرشان خط کشیده شده است، پیدا کنید.

● Paragraph 1: elders

● Paragraph 2: parents

● Paragraph 3: parents

C. Skim the text and suggest a title for it.

با نگاهی اجمالی به متن یک عنوان برای آن پیشنهاد دهید.

Respect for the elderly

احترام به سالمندان

Part II: Vocabulary (بخش دوم: واژگان) صفحه ۱۳ تا ۱۶ کتاب درسی

A. Read the 'text' and find antonyms for the following words:

متن را بخوانید و متضاد واژه‌های زیر را پیدا کنید.

1. past future گذشته

2. unreal real غیرواقعی

3. hate love تنفر داشتن

4. finish start تمام کردن

B. Match the definitions with the words.

تعاریف را با کلمات تطبیق دهید.

1. all the people of about the same age within a society

همه مردم در محدوده سنی یکسان در یک جامعه

2. a lack of success in doing something

عدم موفقیت در انجام کاری

3. to be grateful for

سپاسگزار بودن

4. to be worthy

ارزش داشتن



- | | | | |
|-----------------|------|-----------------|--------------|
| a. generation 1 | نسل | b. deserve 4 | سزاوار بودن |
| c. failure 2 | شکست | d. appreciate 3 | قدردانی کردن |

C. Fill in the blanks with the given words. Make the necessary changes.

جاهای خالی را با واژه‌های داده شده پر کنید. تغییرات لازم را انجام دهید.

respect (احترام), unconditionally (بی‌قید و شرط), later (بعداً)

share (سهمیم شدن), failure (شکست)

1. Parnia never shares her toys with her cousins.

پرنیا هرگز اسباب‌بازی‌هایش را با پسر/دختردایی‌هاش سهمیم نمی‌شود.

2. Students show their respect for the teacher by not talking.

دانش‌آموزان با صحبت نکردن به معلمشان احترام می‌گذارند.

3. Their first attempt to climb Sabalan ended in failure.

اولین تلاش آنها برای صعود به سبلان منجر به شکست شد.

4. The project will be completed two weeks later.

پروژه دو هفته دیگر تکمیل خواهد شد.

D. Complete the following verbs with a noun or an adjective.

افعال زیر را با یک اسم یا یک صفت کامل کنید.

- | | | |
|------------|---------------|------------------------------|
| ● grow | fast | سریع رشد کردن |
| ● feel | comfortable | احساس راحتی کردن |
| ● handle | the situation | از عهده شرایط به خوبی برآمدن |
| ● care for | the children | نگهداری از کودکان |

Part III: Grammar (بخش سوم: دستور زبان) ----- صفحه ۱۷ تا ۲۰ کتاب درسی**A. Make active and passive sentences.**

جملات معلوم و مجهول بسازید.

1. hunter / the cruel / the gazelle / killed

Active: The cruel hunter killed the gazelle

شکارچی بی‌رحم غزال را کشت.

Passive: The gazelle was killed by the cruel hunter.

غزال توسط شکارچی بی‌رحم کشته شد.

2. my mother/ Sina / gave / for his birthday / a book

Active: My mother gave Sina a book for his birthday.

مادرم به سینا برای تولدش یک کتاب داد.

Passive: A book was given to Sina by my mother for his birthday.

کتابی به سینا توسط مادرم برای تولدش داده شد.



3. invented/ Baird/ the first television/ in 1924

Active: Baird invented the first television in 1924.

پرد اولین تلویزیون را در سال ۱۹۲۴ اختراع کرد.

Passive: The first television was invented by Baird in 1924

اولین تلویزیون توسط پرد در ۱۹۲۴ اختراع شد.

4. always / I / keep/ in the fridge/ the butter

Active: I always keep the butter in the fridge.

من همیشه کره را در یخچال نگه می‌دارم.

Passive: The butter is always kept in the fridge.

کره همیشه در یخچال نگهداری می‌شود.

5. did not/ inform /you / us / the results/ about

Active: You did not inform us about the results.

شما ما را از نتایج مطلع نکردید.

Passive: We were not informed about the results by you.

ما از نتایج توسط شما مطلع نشدیم.

B. Write the passive verbs in the correct tenses.

شکل مجهول افعال زیر را در زمان درست بنویسید.

1. The robber was found by the police last week. (find)

دزد هفته پیش توسط پلیس پیدا شد.

2. The first fast food restaurants were opened in our city thirty years ago. (open)

اولین رستوران‌های فست‌فود در شهر ما ۳۰ سال پیش باز شد.

3. I have two parrots. They are kept in the cage. (keep)

من دو تا طوطی دارم. آنها در قفس نگهداری می‌شوند.

4. Persian is spoken in Iran, Tajikistan and Afghanistan. (speak)

زبان فارسی در ایران، تاجیکستان و افغانستان صحبت می‌شود.

5. Jack's money has been stolen in the train. (steal)

پول جک در قطار دزدیده شده است.

C. Complete the following sentences with appropriate tag questions.

جملات زیر را با سؤالات کوتاه (پرسش‌های تأییدی) مناسب پر کنید.

1. It's a lovely day, isn't it?

روز دوست داشتنی‌ای است، نیست؟

2. You haven't done your homework, have you?

تکالیفت را انجام نداده‌ای، انجام داده‌ای؟

3. There is a problem here, isn't there?

در اینجا یک مشکل وجود دارد، ندارد؟

4. Hamid never says a word, does he?

حمید هرگز یک کلمه هم نمی‌گوید، می‌گوید؟

5. Kate forgot to feed the chickens, didn't she?

کیت فراموش کرد به جوجه‌ها غذا دهد، فراموش نکرد؟

صفحه ۲۱ تا ۲۳ کتاب درسی (بخش چهارم: نوشتن) **Part IV: Writing****A. Complete the sentences with and, or, but and so.**

جملات زیر را با استفاده از **and**, **or**, **but** و **so** کامل کنید.

1. She didn't invite me, **so** I didn't go to her birthday party.
او مرا دعوت نکرد، بنابراین به جشن تولدش نرفتم.
2. Robert can sing well, **but** he cannot draw well.
رابرت می‌تواند به خوبی بخواند، اما نمی‌تواند به خوبی نقاشی کند.
3. My grandfather can't sleep, **so** he is going to drink a glass of hot milk.
پدربزرگ من نمی‌تواند بخوابد، بنابراین او قصد دارد یک لیوان شیر داغ بنوشد.
4. I'm hungry, **but** there is no food in the kitchen.
من گرسنه هستم، اما هیچ غذایی در آشپزخانه وجود ندارد.
5. We can take a taxi, **or** travel by train.
ما می‌توانیم یک تاکسی بگیریم، یا با قطار سفر کنیم.
6. Reza and Saeed went swimming last week, **and** they had a nice time.
رضا و سعید هفته پیش به شنا رفتند و اوقات خوبی داشتند.

انگلیسی

درس ۱

B. Correct the underlined words using and, but, or and so.

با استفاده از **and**, **or**, **but** و **so** کلماتی را که زیر آنها خط کشیده شده است، اصلاح کنید.

0. He went to the restaurant but ordered food.
and
او به رستوران رفت و غذا سفارش داد.
1. It's raining, or take your umbrella.
so
باران می‌بارد، پس چترت را ببر.
2. It's 3 p.m., so I'm not tired at all.
and
ساعت ۳ ظهر است و من اصلاً خسته نیستم.
3. There is snow in the street, and it's not too cold.
but
در خیابان برف است، ولی خیلی سرد نیست.
4. Shiva has an exam tomorrow, but she must study well tonight.
and
شیوا فردا امتحان دارد و باید امشب خوب درس بخواند.
5. My uncle was very tired, or he went to sleep.
so
عموی من خیلی خسته بود، بنابراین او رفت خوابید.



C. Put the words in correct order.

کلمات را مرتب کنید.

1. asked / a question / my teacher / so / replied / I

My teacher asked a question, so I replied.

معلم من سؤال کرد، در نتیجه من پاسخ دادم.

2. studies / Mary / but / she / cannot / the exam / pass / a lot

Mary studies a lot, but she cannot pass the exam.

مری زیاد درس می‌خواند، اما نمی‌تواند در امتحان قبول شود.

3. went / my brother / to the library / at all / he / didn't / but / study

My brother went to the library, but he didn't study at all.

برادرم به کتابخانه رفت، اما اصلاً مطالعه نکرد.

4. Reza / the class / attend / in hospital / he / cannot / so / is

Reza is in hospital, so he cannot attend the class.

رضا در بیمارستان است، بنابراین نمی‌تواند در کلاس حضور پیدا کند.